

سخن سردبیر

پارادوکس

چند سالی است که از تغییر نام رشته می‌گذرد و مسلم در این سال‌ها فراز و نشیب‌هایی شاهد بوده‌ایم. هر چند که این تغییر مزایایی را در پی داشته است و قابل انکار نیست، اما آنطور که به نظر می‌رسد هنوز رشته نتوانسته است جایگاه خود را به عنوان یک رشته پویای دانشگاهی و بین رشته‌ای تثبیت کند. بنابراین، در این مجال فرصتی فراهم شد تا در یک بستر علمی به برخی از عواملی که زمینه‌ساز احتمالی این دوگانگی شده است اشاره شود. هر چند سعی بر این خواهد بود تا پیش داوری در این رابطه صورت نگیرد و قضاوت به اهل علم و تخصص سپرده شود تا دوگانگی‌ها، نواقص و کمبودهای احتمالی با همفکری و تشریک افکار و مساعی بهبود یابد. البته همگان موافق هستیم که رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با ظرفیت و پتانسیل و ماهیت بین رشته‌ای که از آن برخوردار است، می‌تواند فرصت‌های زیادی را نصیب حرفه‌مندان رشته بکند و بعنوان رشته‌ای پر مخاطب شناخته شود. اما در مواردی چه از سوی همکاران دانشگاهی، حرفه‌مندان و شاغلان، دانشجویان و یا سایر ذینفعان گفت و شنودها و بحث‌هایی طرح می‌شود که نوعی پارادوکس و دوگانگی را تداعی می‌کند. بنابراین، بهتر است با تمرکز بر روی این موارد و

توجه بیشتر به آنها و تبادل نظر، آینده بهتری برای رشته رقم زده شود. مواردی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود برخی از این دوگانگی‌ها را مورد توجه قرار داده است. البته هر کدام از مخاطبان ممکن است موارد دیگری را نیز مدنظر داشته باشند که می‌شود آنها را در فرصت‌های دیگری به بحث گذاشت.

– **نام رشته،** هنوز بعد از گذشت قریب به هشت سال از تغییر نام رشته در اوسط سال ۱۳۹۱ به علم اطلاعات و دانش‌شناسی و منسوخ شدن^۱ نام رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، گاه در صحبت‌های درون گروهی و یا در عرصه دانشکده‌ای و دانشگاهی و یا سایر مجامع، نام رشته با لفظ منسوخ شده آن بیان می‌شود. هرچند این مورد برای افرادی که به لحاظ شغلی و حرفه‌ای تثبیت شده‌اند به ذات تداعی دوگانگی نکند، اما افراد بسیاری از جمله دانشجویانی را شاهد بوده‌ام که احساس نارضایتی از این مساله داشته‌اند و در مواردی در ابتدا و گاه در میان راه تغییر مسیر داده و یا انصراف داده‌اند. بنابراین نیازمند تامل بیشتری در این مسیر هستیم تا مساله را صرفاً از زاویه نگاه خود نبینیم.

– **جایگیری گروه‌ها،** نسخه واحدی در این رابطه وجود ندارد که گروه‌های رشته علم اطلاعات فارغ از تقسیم‌بندی وزارت علوم در عمل زیر مجموعه کدام دانشکده^۲ به حساب می‌آیند و یا اینکه در کدام دانشکده باید قرار بگیرند. برخی در دانشکده‌های علوم اجتماعی هستند، برخی در علوم انسانی، برخی در دانشکده مدیریت، برخی دیگر در دانشکده ارتباطات و برخی در فنی و مهندسی و یا اسامی دیگر. بنابراین، اجماعی در این زمینه وجود ندارد و این عامل زمینه ساز دوگانگی در بین مخاطبان درون گروهی و برون گروهی شده است. ضمن اینکه این مساله تعامل با رشته‌های دیگر را نیز دشوار می‌سازد و زمینه پذیرش را از سوی برخی رشته‌های مرتبط دانشگاهی دچار چالش می‌کند. نتیجه ملموس جایگیری غلط در دانشکده‌های مختلف این است که پتانسیل

۱. نقل از سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات

۲. لازم به ذکر است که در حال حاضر دانشکده‌ای به اسم علم اطلاعات در سطح کشور وجود ندارد.

گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی به خوبی از سوی سایر گروه‌ها و یا مجامع علمی به رسمیت شناخته نمی‌شود.

- **انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی**، بارها این مساله بویژه از سوی دانشجویان جدیدالورود مطرح می‌شود که اگر اسم رشته عوض شده است، چرا هنوز اسم انجمن تغییر پیدا نکرده است. اینکه چه دلایل حقوقی و قانونی پشت این مساله نهفته است خود بحث دیگری است، اما این مساله نیز به خوبی توانسته است زمینه ساز ایجاد دوگانگی شود. هر چند بیم آن می‌رود که مشابه سایر انجمن‌های شکل گرفته در رشته، فارغ التحصیلان آتی خود دست به کار شده و انجمنی را منطبق با نام رشته تاسیس کنند.

- **عناوین مجلات**، اگر نگاهی به عناوین مجلات رشته داشته باشیم، شاهد این مساله خواهیم بود که بیش از نیمی از این مجلات هنوز با عنوان کتابخانه و یا کتابداری در ارتباط هستند. هر چند این مساله فی‌نفسه تضادی با اصل موضوع ندارد، اما هضم این مساله برای دانشجوی رشته علم اطلاعات دشوار است. ضمن اینکه این مساله پذیرش مقاله از سایر رشته‌ها را نیز در موارد دشوار ساخته و همکاری بین رشته‌ای را نیز محدود می‌سازد.

- **گرایش‌ها**، گرایش‌ها را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد. اول اینکه برخی از این گرایش‌ها هنوز به لحاظ عنوان و محتوا پابندی خود را به کتابداری حفظ کرده‌اند و در عناوین آنها اصطلاحات و واژگانی از جمله کتابخانه و کتابداری به چشم می‌خورد. به عبارتی این عناوین به جای تبعیت از اسم رشته از مصادیق رشته مانند کتابخانه و یا عناوین شغلی مانند کتابداری وام گرفته‌اند. هر چند همین دو مورد ذکر شده اخیر خود سبب ساز دوگانگی‌های زیادی هستند. ضمن اینکه با عدم انتخاب عناوین مناسب در سطح رشته، مسیر از پیش تعریف شده‌ای حداقل در این راستا در اختیار دانشجویان و علاقمندان در راستای شناخت بهتر رشته فراهم نمی‌شود. دوم اینکه علی‌رغم پابندی برخی گرایش‌ها در عنوان به اصطلاحات و واژگان اشاره شده مانند گرایش مدیریت کتابخانه‌های دیجیتال محتوای آنها کاملاً نو و فناورانه است و از همین روی گاه براساس قضاوت بر مبنای عنوان، دانشجویانی دارای مدرک کارشناسی از رشته‌های دیگری

جذب این نوع گرایش‌ها می‌شوند که از پتانسیل لازم برای فعالیت و تحصیل در این نوع گرایش‌ها برخوردار نیستند. هرچند در مواردی این مساله شامل حال فارغ التحصیلان سال‌های قبل رشته کتابداری نیز می‌شود. بنابراین جا دارد نسبت به این نوع دوگانگی‌ها حساسیت بیشتری داشته باشیم تا فرصت‌های فراهم آمده براحتی از بین نرود.

- **ردیف‌های شغلی و استخدامی**، با تغییر نام رشته انتظار می‌رفت عرصه‌های شغلی جدیدی گشوده شود. اما با گذشت چند سال نه تنها این مساله تحقق نیافته است، بلکه به دلیل عدم همخوانی مدارک دانشگاهی فعلی با ردیف‌ها استخدامی قبلی این دوگانگی تشدید شده است. هرچند تلاش‌هایی در راستا در حال انجام است تا این مشکل حل شود. از سوی دیگر، بیشتر فارغ التحصیلان، کار در کتابخانه را بعنوان یک فرصت شغلی اصلی می‌شناسند و تقریباً آروزی هر فارغ التحصیلی کار در یک کتابخانه است. در صورتی که کتابخانه به قول یکی از پیشکسوتان رشته از جمله مصادیق رشته علم اطلاعات است، نه کلیت آن. بنابراین، تا موقعی که این گونه ذهنیت‌ها از بین نرود و فارغ التحصیل رشته به کاری جز در کتابخانه فکر نکند توسعه رشته با دوگانگی مواجه خواهد شد.

- **واحدهای جدید با محتوای قدیمی**، با تغییر نام رشته واحدهای مناسبی نیز برای آن در سطوح مختلف دانشگاهی پیش بینی شد و در سرفصل‌ها جای گرفت. اما در مواردی در تدریس این واحدها با توجه به کمبود منابع مناسب، از منابع قدیمی استفاده می‌شود. ضمن اینکه در مواردی منابع جدیدی نیز نگاشته شده‌اند که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند واحدهای جدید را پوشش دهند. به بیانی واضح‌تر افرادی دست به تالیف این نوع منابع می‌زنند که واحدهای جدید را در قالب محتوای قدیمی می‌بینند. در مواردی نیز به دلیل عدم همکاری بین رشته‌ای و بهره‌گیری از توان نیروهای فرارشته‌ای مفاهیم آنطور که باید قابلیت انتقال پیدا نمی‌کنند.

- **دفع نیروهای فرارشته‌ای**، کمتر گروه علم اطلاعاتی را می‌شناسیم که در راستای تقویت آن در ابعاد گوناگون اقدام به جذب نیروها و سایر فارغ التحصیلان دانشگاهی برای تدریس واحدهای جدید و بین رشته‌ای کرده باشد. تا از این طریق ضمن توسعه رشته زمینه‌ساز همکاری‌های بین رشته‌ای را نیز موجب شود. بلکه گاهی افرادی در سر

کلاس‌ها حاضر می‌شوند که از تخصص لازم در آن برخوردار نیستند و یا اینکه تخصص یکسان و واحدی را در پوشش‌های مختلف و برای واحدهای مختلف تدریس می‌کنند. این مساله ضمن ایجاد تضاد محتوایی، دوگانگی ضعف در عملکرد و خروجی را نیز موجب می‌شود. همین مساله در مواردی نیز موجب شده است فارغ‌التحصیلان رشته عرصه فعالیت در گرایش‌های بین رشته‌ای و خارج از فرصت‌های شغلی تعریف شده را تنگ ببینند. شاید این مساله به نوعی محافظه کاری نهفته در رشته را نمایان می‌سازد که از تعامل با سایر رشته‌ها و تخصص‌ها خودداری می‌کند و با این کار عرصه را برای خود محدود ساخته است.

- **تعصب یا عادت**، در مواردی فارغ از تغییر نام و ماهیت رشته در سر کلاس‌های درس و یا سایر محمل‌های علمی و بین رشته‌ای از سوی افرادی با مسئولیت‌ها و سمت‌های مختلف برنامه منسوخ شده آن تاکید می‌شود. و این مساله گاه برحسب تعصب به نام و رشته قبلی رخ می‌دهد و یا اینکه بر حسب عادت بیان می‌شود. در هر دو صورت این مساله نیز توانسته است دوگانگی را در بین آینده سازان رشته تشدید کند، به عبارتی با یک حرکت آنچه دیگران اندک اندک رشته‌اند پنبه می‌شود.

مواردی که به آنها اشاره شد، تنها عوامل دخیل در ایجاد این گونه دوگانگی‌های پیش آمده نیستند و موارد دیگری نیز می‌توانند در این زمینه دخیل باشند که هر یک از ما به عنوان بخشی از این جامعه علمی با آنها در ارتباط هستیم مانند؛ هدایت و تصدی امور توسط ناباوران، عدم باورپذیری و اعتماد به نسل جوان. همچنین سایر ذینفعان مانند شرکت‌های توسعه دهنده نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای در مواردی مانند نام‌های انتخابی و یا سایر منافع ناشی از توجه صرف به مدیریت منابع کتابخانه‌ای به جای مدیریت اطلاعات در سطح گسترده‌تر موجب این دو نوع دوگانگی شده‌اند. همچنانکه در مواردی تغییر نام رشته این کمک را کرده است تا نیازهای ما در سایر مجامع علمی بصورت موقت پوشش داده شود و با برخورداری از عنوان جدید، تلاش جدی برای تثبیت آن صورت نگیرد. به نوعی نفع شخصی و منافع کوتاه مدت منافع جمعی را تحت شعاع قرار می‌دهد. البته این مساله را می‌توان در بحث تعصب فردی نسبت به نام رشته نیز مشاهده کرد که افراد به خاطر

خواست خود منافع شخصی عده کثیری را به خطر می‌اندازند. از سوی دیگر هر چند ممکن است اینطور بیان شود که برخی موارد با گذشت زمان بهبود خواهند یافت، اما شناخت این نکات و برنامه‌ریزی برای حل آنها بهتر می‌تواند این نوع دوگانگی‌ها را اصلاح کند. بنابراین بر همه ما لازم است به عنوان سکاندار بر امنیت قایقی که در آن نشسته‌ایم توجه ویژه‌ای داشته باشیم و هریک در حد توان بکوشیم تا این نوع پارادوکس‌ها را به حداقل برسانیم.

یعقوب نوروزی

سرمدیر فصلنامه علوم و فنون مدیریت اطلاعات